



مرکز مجاز امام صادق علیه السلام

سیوطی

جلسه (۱۱۰) ۶

استاد: وافی یزدی

موضوع: حال

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

نکته ۱:

ظرف مستقر متضمن معنای فعل است ولی حاوی حروف فعل نیست. بنابراین، حال نمی تواند بر آن مقدم شود ولی به صورت نادر، این امر اتفاق می افتد: سعیدٌ مستقرًا فی هجر

نکته ۲:

در مثال «زیدٌ مفرداً أنفع من عمرو معانا» تقدیم حال بر أفعال تفضیل جایز است زیرا حالات دو شخص باهم متفاوت است و شخص را در حالتی بر شخص دیگر در حالت دیگر ترجیح داده ایم و این مثال جایز است و ضعیف نیست.

نکته ۳:

گاهی چند حال در جمله می آید که برای یک یا چند ذوالحال است: لقیّت زیداً مصعداً منحدرًا
در این صورت اگر قرینه ای نباشد، حال دوم را به ذوالحال اول و حال اول را به ذوالحال دوم می دهیم.

نکته ۳:

عامل حال گاهی به سبب حال تاکید می شود: لا تعث فی الارض مفسداً

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

نکته ۴:

اگر حال جمله را تاکید کند، عاملش مقدر است و حال باید موخر از جمله بیاید: أنا ابن دارة معروفها نسبی



در عرس مجید بزرگام صادق علیه السلام

نکته ۵:

گاهی جمله بجای حال می آید: جاء زیدٌ و هو ناوٍ رحله

نکته ۶:

جمله حالیه ای که با مضارع مثبت بدون «قد» شروع شود، ضمیری را در بر دارد و باید بدون واو حالیه بیاید ولی اگر همراه واو آمد، باید بعد از واو، یک مبتدا در تقدیر گرفت و فعل مضارع را خبر آن قرار داد: نجوت و أرهنهم مالکا (و أنا أرهنهم)

نکته ۷:

جملات حالیه به غیر از مضارع مثبت بدون «قد»، ممکن است گاهی با واو و گاهی با ضمیر رابط و گاهی با هر دو بیاید: جاء زیدٌ و عمروٌ قائمٌ - إهبطوا بعضکم لبعض عدو - خرجوا من دیارهم و هم أُلوف

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv